



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

شماره ۱۵۴۳۳۰۳۰۳

تاریخ ۲۸/۹/۶۱

دفتر شورای نگهبان

بجانب

تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۹
شماره ۶۷۸۱

شورای محترم نگهبان

پیرو نامه شماره ۳۱۵۲ - ق مورخ ۱۳۶۱/۹/۱۳ اصلاحیه
کمیسیون امور قضائی مجلس شورای اسلامی راجع به لایحه مجازات
اسلامی (مبحث دیات) که در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۶۱/۹/۲۴
آن کمیسیون طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی بتصویب
رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت
بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال میگردد .

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۲۸/۹/۶۱



بحثی

دفتر شورای نگهبان

تاریخ ۱۳۶۱/۹/۲۹

شماره ۹۷۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

مبحث سوم

دیات

تعریف

ماده ۱- دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیاء دم او داده میشود.

موارد دیه

ماده ۲- دیه در موارد زیر ثابت میشود.

الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطا محض واقع میشود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را. مانند آنکه تیری را به قصد شکاریها کند و به شخصی برخورد نماید.

ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که بطور خطا شبه عمد واقع میشود و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمیشود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد. مانند آنکه کسی را به قصد تادیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمیشود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیبی مباشرتاً بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود.

ج - دیه در موارد قصاص که در محل خود ذکر شده است.

تبصره ۱- جنایتهای عمدی دیوانه و نابالغ بمنزله خطا محض است.

تبصره ۲- در صورتیکه در دادگاه ثابت شود جنایتهای عمدی که به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن طرف انجام شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است بمنزله خطا شبه عمد است.

مقدار دیه قتل نفس

ماده ۳- دیه قتل مرد مسلمان یکی از امورششگانه ذیل است که جانی در انتخاب

هریک از آنها مخیر میباشد و تلفیق آنها جایز نیست.

۱- یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۲- دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۳- یک هزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشد.

۴- دویست دست لباس سالم از حلههای یمن.



بیت‌المال

۵- یک هزار دینار مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است .

۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیر مغشوش که هر درهم به وزن ۱۲/۶ نخود نقره می باشد . تبصره - پرداخت قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین کافیهست و اگر تلفیق بعنوان پرداخت قیمت یکی از امور ششگانه باشد کافی است .
ماده ۴- دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن فقط در خصوص شتر لازم است که سن آنها از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد .

مهلت پرداخت دیه

ماده ۵- دیه قتل خواه عمدی خواه غیر عمدی اگر در خصوص حرم مکه معظمه یا در یکی از چهار ماه حرام (رجب - ذیقعد - ذیحجه - محرم) واقع شود یکی از شش چیز گذشته است به اضافه یک ثلث (یک سوم) هر نوعی که انتخاب کرده است و سایر امکانه و ازمنه دارای این حکم نیستند هر چند متبرک باشند .
ماده ۶- دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی خواه غیر عمدی نصف دیه مرد مسلمان است .

ماده ۷- دیه زن و مرد در جراحت‌ها یکسان است تا اینکه مقدار دیه جراحات به ثلث (یک سوم) دیه کامل برسد آنگاه دیه جراحات زن نصف دیه جراحات مرد خواهد بود .
ماده ۸- مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف بترتیب زیر است .
الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یکسال پرداخت شود و تا خیر از آن بدون تراضی طرفین جایز نیست .

ب - دیه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت میشود .

ج - دیه قتل خطا محض در ظرف سه سال پرداخت میشود .

تبصره - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت میشود .

مسوول پرداخت دیه

ماده ۹- مسوول پرداخت دیه در قتل عمد و شبیه عمد خود قاتل است و مسوول پرداخت آن در قتل خطا محض عاقله قاتل است که باید راسا بپردازد و حق مراجعه به قاتل را ندارد .



مجلس

ماده ۱۰- اگر قاتل در شبیه عمد حتی با مهلت طولانی قادر به پرداخت دیه نباشد کسان او به ترتیب الاقرب و فالاقرب باید بپردازند و اگر آنها نباشند یا نداشته باشند از بیت المال داده میشود.

(عاقله) مسوول پرداخت دیه جنایتهای خطائی

ماده ۱۱- دیه قتل خطاء محض و همچنین دیه جراحت (موضعه) و دیه جراحت های عمیق تر از آن بعهدده عاقله می باشد و دیه جراحت های کمتر از آن بعهدده خودجانی است. تبصره - جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه بمنزله خطاء محض و برعهده عاقله میباشد.

ماده ۱۲- عاقله عبارتست از بستگان نزدیک ابوینی یا ابی مانند پدر و جد پدری و برادر و پسر و عمو و پسران عمو.

ماده ۱۳- زن جزء عاقله محسوب نمیشود و عهده دار دیه خطائی نخواهد بود و همچنین نابالغ و دیوانه.

ماده ۱۴- عاقله اگر فقیر باشد عهده دار دیه نمی باشند.

ماده ۱۵- هرگاه قتل خطائی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقرار جانی ثابت شود خودجانی ضامن است.

ماده ۱۶- هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطاء انجام شده و عاقله منکر خطائی بودن آن باشد در صورتیکه عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی میباشد.

ماده ۱۷- جنایتهای خطائی که شخص بر خودش وارد آورد بعهدده خود اوست و همچنین اتلاف های مالی که بطور خطاء محض انجام شود بعهدده شخص تلف کننده است و عاقله عهده دار هیچگونه خسارتهای مالی در مورد اتلاف خطائی و مانند آن نیست و فقط در خصوص قتل و جرح خطائی محض عهده دار میباشد.

ماده ۱۸- دیه خطاء محض بر عاقله به ترتیب طبقات ارث توزیع میشود.

ماده ۱۹- هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت المال پرداخت میشود.

ماده ۲۰- دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته میشود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته میشود و اگر بستگانی نداشته یا تمکن نداشته دیه از بیت المال داده میشود.



مجلس

موجبات ضمان

ماده ۲۱- جنایت اعم از آنکه بمباشرت انجام شود یا بهتسبیب یا بهاجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود .

ماده ۲۲- مباشرت آنست که جنایت مستقیما توسط خود جانی واقع شده باشد .

ماده ۲۳- تسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیما مرتکب جنایت نشود مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند .

ماده ۲۴- در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد .

ماده ۲۵- هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه‌هایی که شخصا انجام میدهد یا دستور آن را صادر می‌کند هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقض عضو یا خسارت مالی شود ضامن است مگر اینکه قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او برائت حاصل نماید .

ماده ۲۶- هرگاه ختنه‌کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ما هر بوده باشد .

ماده ۲۷- هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است مگر اینکه قبل از درمان از صاحب حیوان برائت حاصل نماید .

ماده ۲۸- هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید ، عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود .

ماده ۲۹- هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقض عضو دیگری شود جنایت او بمنزله خطاء محض بوده و عاقله او عهده‌دار خواهد بود .

ماده ۳۰- هرگاه کسی چیزی را به همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و بشخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد در صورت عمد یا شبه‌عمد ضامن می‌باشد و در صورت خطاء محض ، عاقله او عهده‌دار می‌باشد .

ماده ۳۱- هرگاه کسی به‌روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می‌شود و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعا کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعا کشنده نباشد ، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نوعا کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبه‌عمد محسوب شده و دیه



آن برعهده قاتل است .

ماده ۳۲- هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد در صورتیکه آن ترسان شدن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم گیری او گردد ترساننده ضامن است .

ماده ۳۳- هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد در صورتی که قصد انجام جنایت را نداشته باشد و کاری را که با قصد انجام داده نوعاً سبب جنایت نباشد عهده دار دیه خواهد بود و اگر خواست به جایی که کسی در آنجا نبود پرت شود و اتفاقاً به جایی افتاد که شخصی در آنجا بود عاقله او عهده دار دیه خواهد بود ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر وی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد نه خودش ضامن است نه عاقله اش .

ماده ۳۴- هرگاه کسی به دیگری صدمه وار د کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد در صورتیکه نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت باشد عهده دار دیه آن خواهد بود .

ماده ۳۵- هرگاه کسی دیگری را بروی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت باشد ضامن دیه می باشد .

ماده ۳۶- هرگاه کسی در ملک خود یا مکان مباح دیگری را اموسوع عمومی متوقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده دار هیچگونه خسارت نخواهد بود .

ماده ۳۷- هرگاه کسی در جایی متوقف باشد که توقف در آنجا جز نیست مانند راه تنگ و دیگری اشتباهاً و بدون قصد به او برخورد کند و بمیرد شخص متوقف ضامن دیه خواهد بود . همچنین اگر موجب لغزش رهگذر و آسیب آنها شود ضامن خسارت میباشد مگر آنکه عابر با وسعت راه عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه تنها خسارت او هدر است بلکه عهده دار خسارت شخص متوقف نیز خواهد بود .

اشتراک در جنایت

ماده ۳۸- هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت میشود و در صورت خطاء محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است .



ماده ۳۹- هرگاه دو نفر بایکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه عمد نصف دیه مقتول بردیگری است و در صورت خطا محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است .

تبصره هرگاه کسی اتفاقاً وبدون قصد به شخصی برخورد کند وموجب آسیب او شود خطا محض بوده و عاقله او عهده دار خسارت مصدوم میباشد .

ماده ۴۰- هرگاه در اثر برخورد دوسوار ، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند در صورتی که تصادم و برخورد بهر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچکدام مقصر نباشند هرکدام نصف خسارت وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند واگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است .

تبصره - تقصیر اعم است از بی احتیاطی ، بی مبالاتی ، عدم مهارت ، عدم رعایت نظامات دولتی .

ماده ۴۱- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد باهم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد راننده هریک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود در صورت خطا محض عاقله هرکدام عهده دار نصف دیه تمام سرنشینان میباشد واگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد ودیگری خطا محض باشد ضامن بر حسب مورد پرداخت خواهد شد .

تبصره - در صورتیکه برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان ودیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچگونه ضمانی در بین نیست .

ماده ۴۲- هرگاه شخصی که شبانه از منزلش خوانده وبیرون برده اند مفقود شود دعوت کننده ضامن دیه او است و اگر کشته یافت شود در صورتیکه ادعا و اقامه بینه کند که دیگری او را کشته تبرئه می گردد واگر چنین ادعائی نکند و یا بینه اقامه ننماید فقط ضامن دیه خواهد بود واگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست .

ماده ۴۳- هرگاه در معبر عام یا هرجائیکه تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزنده ای بر سر راه او قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت رهگذر و مانند آن گردد عهده دار دیه یا خسارت خواهد بود ولی اگر در ملک خود او یا در جایی که تصرف او در آن مجاز است واقع شود عهده دار دیه یا خسارت نخواهد بود .

تسبیب در جنایت

ماده ۴۴- هرگاه در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای فوق را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده‌دار دیه یا خسارت نمی‌باشد .

ماده ۴۵- هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد در صورتیکه عامل اقدامی نماید که عرفاً دلالت به مطلع شدن عابرین بنماید ضامن دیه و خسارت نخواهد بود .

ماده ۴۶- هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۴۳ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر نابینائی یا تاریکی آگاه به آن نیست بمنزل خود بخواند عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد عهده‌دار هیچگونه دیه یا خسارت نمی‌باشد .

ماده ۴۷- هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچکس ضامن نیست گرچه تمکن بر طرف کردن آنها را داشته باشد و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را بجائی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد عهده‌دار دیه و خسارت‌های وارد خواهد بود و اگر آن را از وسط جا ده بردارد و به گوشه‌ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده‌دار چیزی نمی‌باشد .

ماده ۴۸- هرگاه کسی در ملک دیگری عدواناً یکی از کارهای مذکور در ماده ۴۳ را انجام دهد و شخص ثالثی که عدواناً وارد آن ملک شده آسیب ببیند عامل عدوانی عهده‌دار دیه و خسارت می‌باشد .

ماده ۴۹- هرگاه کسی کالائی را که به منظور خرید و فروش عرضه می‌شود یا وسیله نقلیه‌ای را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده‌دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتاً در معبر قرار دهد .

ماده ۵۰- هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمداً به روی آنها پا بگذارد .
ماده ۵۱- هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود .

ماده ۵۲- هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آن که موجب زیان به معبر و رهگذر باشد در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب و قرارداد آن جایز بوده و موجب ضرری نباشد لکن اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا



خسارت گردد مالک منزل عهده‌دار آن نخواهد بود .

ماده ۵۳- هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش‌بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده‌دار خسارت نمی‌باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده‌دار چیزی نخواهد بود .

ماده ۵۴- هرگاه دیواری را در ملک خود بطور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً مائل به سقوط به سمت ملک دیگری شود اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح یا سهل‌نگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می‌باشد .

ماده ۵۵- هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و مائل بسقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده‌دار خسارت خواهد بود .

ماده ۵۶- هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زائد بر آن آتش روشن کند و بدان‌گونه به جایی سرایت نمی‌کند و عاداتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود .

ماده ۵۷- هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می‌نماید یا بدان‌گونه که بجای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز روشن کرده باشد .

ماده ۵۸- هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش بجایی سرایت نماید و سرایت با او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارد می‌باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد .

ماده ۵۹- هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتش را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد .

تبصره - در کلیه مواردی که روشن‌کننده آتش عهده‌دار تلف و آسیب اشخاص می‌باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب دیدگان نباشد و گرنه روشن‌کننده آتش عهده‌دار نخواهد بود .

ماده ۶۰- هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیاندازد و بسوزاند عهده‌دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن‌کننده آتش ضامن نیست .

ماده ۶۱- صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آنرا میدانند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل‌نگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان



بخش اول

عهده‌دار می‌باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانائی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده‌دار خسارتش نیست .

ماده ۲۴- هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص بعنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع کننده ضامن نمی‌باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم بعنوان دفاع به مقدار لازم باز دارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده‌دار نخواهد بود . تبصره - هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب رساننده ضامن می‌باشد .

ماده ۳۳- هرگاه با سهل‌نگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده‌دار خسارت خواهد بود و هرگونه خسارتی بر حیوان حمله کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده‌دار آن نمی‌باشد .

ماده ۴۴- هرگاه کسی با اذن وارد خانه‌ای بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می‌باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می‌رساند و خواه نداند .

ماده ۵۵- کسی که سوار بر حیوانی است یا از جلو زمام آن را می‌کشد عهده‌دار خسارتی است که آن حیوان با سر و گردن یا دست‌های خود وارد کند نه آنچه را که با پاهایش وارد میکند مگر آنکه حیوان اختیار از راکب یا زمام‌دار خود بگیرد و او هم آگاه نباشد و آن حیوان نیز سرکش نباشد و کسی که حیوان را از پشت سر می‌راند ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد می‌کند .

ماده ۶۶- هرگاه کسی حیوانی را در جائی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهائی است که آن حیوان وارد می‌کند خواه با سر و دست و خواه با پا .

ماده ۶۷- هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده‌دار خسارتهای وارد خواهد بود .

ماده ۸۸- هرگاه کسی سوار بر حیوانی باشد و دیگری از جلو زمام آن را بکشد یا از پشت سر آن را براند و آن حیوان با سر یا دست یا پای خود خسارتی وارد کند خسارتهائی که با جلوی بدن حیوان وارد شود راکب و زمام‌دار یا راکب و سائق مشترکاً ضامن می‌باشند و خسارتی که با پای او وارد شد فقط سائق (یعنی کسی که او را از پشت سر می‌راند) ضامن است .

اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب *

ماده ۹۹- هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی یکی بنحو سبب و دیگری بنحو مباشر دخالت



بجایی

داشته باشد در صورتیکه تاثیر هر دو برابر هم باشد یا تاثیر مباشر بیشتر باشد فقط مباشر ضامن است .

ماده ۷۰- هرگاه در صورت دخالت سبب و مباشر در ارتکاب جنایت تاثیر سبب بیشتر از تاثیر مباشر باشد فقط سبب وقوع جنایت ضامن خواهد بود .

ماده ۷۱- هرگاه دو نفر در ارتکاب جنایتی بنحو سبب دخالت داشته باشند مباشرت کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی بکند و دیگری سنگ لغزنده را در کنار او قرار دهد که عابر بسبب برخورد با سنگ به چاه می افتد که در این موارد فقط کسی که سنگ لغزنده را گذاشت ضامن است و چیزی بر عهده کسی که چاه را کنده نیست .

تبصره - در مورد فوق هر کدام که متجاوز باشد ضامن خواهد بود .

ماده ۷۲- هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند بطور تساوی عهده دار خسارت خواهند بود .

ماده ۷۳- هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و بعلت تصادم کشته شوند یا آسیب ببینند سبب ضامن خواهد بود .

ماده ۷۴- هرگاه کسی مال و متاع خودش را برای رفع خطر و ضرر احتمالی و بگفته دیگری اتلاف نماید کسی عهده دار آن نمی باشد مگر آنکه دیگری عهده دار خسارت او شده باشد .

دیه اعضا

ماده ۷۵- هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعا مقدار خاصی بعنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی بایدارش بپردازد .

ماده ۷۶- هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده دار خواهد بود .

ماده ۷۷- هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید ضامن دیه کامل زن می باشد و اگر دوباره بروید عهده دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست .

تبصره - اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت میشود .

ماده ۷۸- هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره بروید و مقدار دیگر نروید نسبت مقداری که نمی روید با تمام سر ملاحظه می شود و دیه به همان نسبت دریافت می گردد .

بجاری

ماده ۷۹- تشخیص روئیدن مجدد مو و نروئیدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شد و بعد از آن دوباره روئید باید مقدار زائد برارش به جانی مسترد شود.

ماده ۸۰- دیه موهای مجموع دوا برو در صورتیکه هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دو بیست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو بهمان نسبت خواهد بود و اگر دوباره روئیده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره روئیده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجدداً روئیده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که روئیده نمیشود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین میشود.

ماده ۸۱- از بین بردن مژه و موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعض آن.

ماده ۸۲- از بین بردن سائرموهای بدن غیر از آنچه بیان شد فقط موجب ارش است نه دیه.

ماده ۸۳- از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا ارش می شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت میگردد.

دیه چشم

ماده ۸۴- از بین بردن دو چشم سالم موجب دیه کامل است و دیه هر کدام از آنها نصف دیه کامل خواهد بود.

تبصره - تمام چشم هائیکه بینائی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شبکوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند.

ماده ۸۵- چشمی که در سیاهی آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد دیه آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد بطوریکه تشخیص ممکن باشد بهمان نسبت از دیه کاهش می یابد و اگر بطور کلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه دیه.

ماده ۸۶- دیه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادر زاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیر جنائی از دست رفته باشد دیه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد دیه آن نصف دیه است.

ماده ۸۷- کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است دیه چشم نابینای او ثلث دیه کامل است خواه چشم او خلقتاً نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده

بجای

باشد .

ماده ۸۸- دیه مجموع چهارپلک دوچشم دیه کامل خواهد بود و دیه پلکهای بالا
ثلث دیه کامل و دیه پلکهای پائین نصف دیه کامل است .

دیه بینی

ماده ۸۹- از بین بردن تمام بینی دفعتاً یا نرمة آن که پائین قصب و استخوان
بینی است موجب دیه کامل است و از بین بردن مقداری از نرمة بینی موجب همان نسبت از
دیه می باشد .

ماده ۹۰- از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرمة آن موجب دیه
کامل و ارش می باشد .

ماده ۹۱- فاسد نمودن و شکستن و سوزاندن بینی در صورتیکه اصلاح نشود موجب
دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکمده دینار می باشد .

ماده ۹۲- فلج کردن بینی موجب دوثلث دیه کامل است و از بین بردن بینی فلج
موجب ثلث دیه کامل میباشد .

ماده ۹۳- از بین بردن هریک از سوراخهای بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ
کردن بینی بطوریکه هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ
نماید در صورتیکه باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران
و اصلاح شود موجب خمس دیه می باشد .

دیه گوش

ماده ۹۴- از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف دیه
کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش
خواهد بود .

ماده ۹۵- از بین بردن نرمة گوش ثلث دیه آن گوش را دارد و از بین بردن قسمتی از
آن موجب دیه به همان نسبت خواهد بود .

ماده ۹۶- پاره کردن گوش ثلث دیه دارد .

ماده ۹۷- فلج کردن گوش دوثلث دیه و بریدن گوش فلج ثلث دیه را دارد .

تبصره ۱- گوش سالم و شنوا و گوش کر در حکم فوق یکسانند .



بخش اول

تبصره ۲- هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شد برای هر کدام دیه جداگانه ای خواهد بود.

دیه لب

ماده ۹۸- از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقدار از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود.

ماده ۹۹- جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را نبوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می نماید.

ماده ۱۰۰- جنایتی که موجب سست شدن لبها بشود بطوری که با خنده و مانند آن از دندانها کنارتنرود موجب دوثلث دیه کامل می باشد.

ماده ۱۰۱- از بین بردن لبهای قلع و بی حس ثلث دیه دارد.

ماده ۱۰۲- شکافتن هر دو لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل و شکافتن یک لب بطوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه لب و در صورت خوب شدن خمس دیه لب خواهد بود.

دیه زبان

ماده ۱۰۳- از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم با ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود.

ماده ۱۰۴- از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولی دیه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود.

ماده ۱۰۵- تعیین مقدار دیه جنایتی که بر زبان وارد شده و موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین حاکم خواهد بود.

ماده ۱۰۶- هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف می باشد.

ماده ۱۰۷- بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است.

ماده ۱۰۸- بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی گوید



بخش اول

ثلث دیه دارد و اگر بعدا معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته میشود .

ماده ۱۰۹- هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد .

دیه دندان

ماده ۱۱۰- از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع میشود .

۱- هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیشین و چهار تائی و نیش و از هر کدام دو عدد در بالا و دو عدد در پائین می روید و جمعا دوازده تا خواهد بود - پنجاه دینار و دیه مجموع آنها شصت دینار میشود .

۲- هر یک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پائین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعا شانزده تا خواهد بود - بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار میشود .

ماده ۱۱۱- دندانهای اضافی به مهر نام که باشد و بهر طرز که روئیده شود دیمای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود مقدار جریمه آن با تعیین حاکم معلوم میشود و اگر هیچگونه نقصی حاصل نشود جریمه مالی نخواهد داشت ولی در صورت تعدی بعنوان تعزیر بنظر حاکم به ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم میشود .

ماده ۱۱۲- هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد بهمان نسبت از دیه کامل کاهش می یابد خواه خلقتا کمتر باشد یا در اثر عارضه ای کم شده باشد .

ماده ۱۱۳- فرقی میان دندانهای که دارای رنگهای گوناگون می باشند نیست و اگر دندانهای در اثر جنایت سیاه شود و نیافتند دیه آن دو ثلث دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانهای که قبلا سیاه شده ثلث همان دندان سالم است .

ماده ۱۱۴- شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد با تعیین حاکم جریمه مالی او معلوم میشود .

ماده ۱۱۵- شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود خواه کسی که بقیه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری .

بجای

ماده ۱۱۶- کندن دندان شیری کودک که دیگر بجای آن دندان نروید دیه کامل آنرا دارد و اگر بجای آن دندان بروید دیه بر دندان شیری که کنده شد یک شتر می باشد .
ماده ۱۱۷- دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلیش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود .
ماده ۱۱۸- هرگاه دندان دیگری بجای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد .

دیه گردن

ماده ۱۱۹- شکستن گردن به طوری که گردن کج شود دیه کامل دارد .
ماده ۱۲۰- جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فرو بردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .
ماده ۱۲۱- هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زائل گردد دیه ندارد فقط باید ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد .

دیه فک

ماده ۱۲۲- از بین بردن مجموع دو فک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار میباشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود .
ماده ۱۲۳- دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک با دندان از بین برود دیه هر یک جداگانه محسوب میگردد .
ماده ۱۲۴- جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .

دیه دست

ماده ۱۲۵- از بین بردن مجموع دو دست تا مفضل و مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دستها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای یک دست باشد و دست دیگری خلقتا یا در اثر سانحهای فاقد باشد و خواه دارای دو دست بوده باشد .
ماده ۱۲۶- دیه قطع انگشتان هر دست تنها یا تامچ پانصد دینار است .



بعضی

ماده ۱۲۷- جریمه بریدن کف دست که خلقتا بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه ای بدون انگشت شده است با نظر حاکم تعیین میشود .

ماده ۱۲۸- دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد .

ماده ۱۲۹- دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل و مچ قطع شود یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است با اضافه آنچه که حاکم با در نظر گرفتن مساحت زائد تعیین می کند .

ماده ۱۳۰- کسیکه از مچ یا آرنج یا شانه اش دو دست داشته باشد دیه دست اصلی پانصد دینار است و جریمه دست زائد با نظر حاکم تعیین میگردد و اگر یک نفر هر دو را قطع کند باید دیه اصل و جریمه زائد را بپردازد خواه با هم یا جداگانه قطع کند .
تشخیص دست اصلی و زائد بنظر خبره خواهد بود .

ماده ۱۳۱- دیه ده انگشت دو دست و همچنین دیه ده انگشت دو پا دیه کامل خواهد بود ، دیه هر انگشت عشر دیه کامل است .

ماده ۱۳۲- دیه هر انگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم میشود و بریدن هر بندی از انگشت های غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است .

ماده ۱۳۳- دیه انگشت زائد ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زائد ثلث دیه بند اصلی است .

ماده ۱۳۴- دیه فلج کردن هر انگشت دو ثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است .

دیه ناخن

ماده ۱۳۵- کندن ناخن بطوری که دیگر نروید یا فاسد و سیاه برود دهن دینار و اگر سالم و سفید برود پنج دینار است .

دیه ستون فقرات

ماده ۱۳۶- شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج بصورت کمان و خمیدگی در آید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانائی جنسی او از بین



بجانبی

برود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنایتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود .
ماده ۱۳۷- هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن برستون فقرات معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد .
ماده ۱۳۸- هرگاه شکستن پشت باعث فلج شدن هر دو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دو پا دو ثلث دیه کامل منظور میگردد .

دیه نخاع

ماده ۱۳۹- قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت خواهد بود .
ماده ۱۴۰- هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده میگردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد جریمهای که بانظر حاکم تعیین میشود بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد .

دیه بیضه

ماده ۱۴۱- قطع مجموع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد .
تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست .
ماده ۱۴۲- دیه ایجا دفتق دو بیضه چهار صد دینار است و اگر ایجا دفتق موجب زوال قدرت راه رفتن شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود .
دیه پا

ماده ۱۴۳- قطع مجموع دو پا که حد آن از مفصل ساق است دیه کامل دارد و دیه هر کدام از پاها نصف آن می باشد .
ماده ۱۴۴- دیه مجموع ده انگشت پادیه کامل است و دیه هر کدام از انگشتها عشر دیه کامل میباشد و دیه هر انگشت بر سه بند توزیع میشود مگر دیه شست که بر دو بند تقسیم میگردد .

دیه دنده

ماده ۱۴۵- دیه هر یک از دنده‌هایی که در پهلو چپ واقع شده و محیط به قلب می باشد

بخش اول

بیست و پنج دینار و دیه سایر دنده‌ها ده دینار است .

دیه استخوان زیرگردن

ماده ۱۴۶- شکستن مجموع دواستخوان ترقوه دیه کامل دارد و به شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر بخوبی درمان شود چهل دینار می‌باشد .

دیه نشیمن‌گاه

ماده ۱۴۷- شکستن نشیمن‌گاه که موجب شود مجنی علیه قاذبه ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قاذبه ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد جریمه‌ای با نظر حاکم تعیین می‌شود .

ماده ۱۴۸- ضربهای که به حد فاصل بیضه‌ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار و مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد .

ماده ۱۴۹- اگر در اثر فشاری که بوسیله پایا چیز دیگری بر شکم مجنی علیه وارد آید و باعث خروج بول یا غائط شود باید ثلث دیه کامل پرداخت شود .

ماده ۱۵۰- از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن ، مهر المثل نیز دارد .

دیه استخوانها

ماده ۱۵۱- دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهار پنجم دیه شکستن آن است . و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو در صورت درمان بدون عیب چهار پنجم دیه کوبیدن عضو می‌باشد .

ماده ۱۵۲- در جدا کردن استخوان از عضو بطوریکه آن عضو بی‌فائده گردد دو ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود ، دیه آن چهار پنجم دیه اصل جدا کردن می‌باشد .

دیه عقل

ماده ۱۵۳- هر جنابتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود



ارش دارد.

- ماده ۱۵۴- از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد .
- ماده ۱۵۵- هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست ، عقل زائل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمیشود .
- ماده ۱۵۶- هرگاه در اثر جنایتی عقل زائل شود و دیه کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد می شود و جریمه آن با نظر حاکم تعیین خواهد شد .
- ماده ۱۵۷- مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن خبر معتمد می باشد و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم بر قول مجنی علیه است .

دیه حس شنوائی

- ماده ۱۵۸- از بین بردن حس شنوائی مجموع دو گوش دیه کامل و از بین بردن حس شنوائی یک گوش نصف دیه کامل دارد خواه شنوائی یکی از آن دو قوی تر از دیگری باشد یا نباشد .
- ماده ۱۵۹- هرگاه کسی فاقد حس شنوائی یکی از گوشها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد .
- ماده ۱۶۰- هرگاه معلوم باشد که حس شنوائی بر نمی گردد یا خبره گواهی دهد که بر نمی گردد دیه مستقر میشود و اگر خبره امید به برگشت آن را داشته و با سپری شدن مدت انتظار ، حس شنوائی برنگردد دیه استقرار پیدا می کند و اگر شنوائی قبل از دریافت دیه برگردد ارش ثابت میشود و اگر بعد از دریافت آن برگردد دیه مسترد نمیشود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود .
- ماده ۱۶۱- هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوائی از بین برود و دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوائی بطور کلی از بین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم میشود و اگر با جنایت دیگری حس شنوائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوائی .
- ماده ۱۶۲- هرگاه خبره گواهی دهد که شنوائی از بین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوائی است همان دیه شنوائی ثابت است .
- ماده ۱۶۳- هرگاه کودک در اثر کر شدن لال بشود علاوه بر دیه شنوائی با نظر حاکم به پرداخت جریمه ای برای لال شدن محکوم می شود .
- ماده ۱۶۴- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه در صورتی که با نظر خبرگان معتمد یا آزمایش موضوع روشن نشود ، مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد .



بیماری

دیه بینائی

ماده ۱۶۵- از بین بردن بینائی هر دو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینائی یک چشم نصف دیه کامل دارد .

تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ و مانند آن نمی باشد .
ماده ۱۶۶- هرگاه با کندن حدقه چشم، بینائی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینائی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه بینائی .

ماده ۱۶۷- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل بما ینکه بینائی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند برمیگردد، ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدتی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینائی برنگردد دیه ثابت خواهد بود .
و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینائی بر جانی اول ثابت خواهد بود .

و هرگاه بینائی برگردد و شخص دیگری آن چشم را بکند ، بر جانی اول فقط ارش لازم می باشد .

ماده ۱۶۸- هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینائی هر دو چشم یا یک چشم او کم شده با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش تفاوت ، پرداخت میشود .

ماده ۱۶۹- هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینائی او زائل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد ، حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و به نفع او حکم صادر میکند .
تبصره - قسامه در این مورد شش قسم است اعم از آنکه پنج نفر دیگر و خود مدعی قسم یا دکنند یا کمتر یا خود مدعی به تنهائی .

دیه حس بویائی

ماده ۱۷۰- از بین بردن حس بویائی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویائی یک مجری نصف دیه است و قاضی قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید .

ماده ۱۷۱- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویائی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۱۶۸) بنفع مدعی حکم میشود .



بجشائی

شماره

تاریخ

ماده ۱۷۲- هرگاه حس بویائی قبل از پرداخت دیه برگردد جریمه‌ای که بانظر حاکم تعیین میشود پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویائی بمیرد دیه ثابت میشود .
ماده ۱۷۳- هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویائی از بین برود دودیه لازم میشود و همچنین اگر در اثر جنایت دیگر بویائی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویائی افزوده میشود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد جریمه‌ای که بانظر حاکم تعیین می‌گردد بر دیه بویائی اضافه خواهد شد .

دیه چشائی

ماده ۱۷۴- جریمه از بین بردن حس چشائی بانظر حاکم تعیین میشود .
ماده ۱۷۵- هرگاه با بریدن زبان حس چشائی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشائی از بین برود دیه یا جریمه آن جنایت بر دیه حس- چشائی افزوده میگردد .
ماده ۱۷۶- در صورتیکه حس چشائی برگردد دیه مسترد میشود .
ماده ۱۷۷- اگر اختلاف جانی و مجنی علیه در زوال یا نقصان حس چشائی با آزمایش یا مراجعه به دو متخصص عادل بر طرف نشود با قسامه مدعی حسب مورد حکم بِنفع اوصادار میشود .

دیه صوت و گویائی

ماده ۱۷۸- از بین بردن صوت شخص بطور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند .
ماده ۱۷۹- از بین بردن گویائی بطور کامل که نتواند اصلاً سخن بگوید دیه کامل دارد .
ماده ۱۸۰- جریمه جنایتی که موجب نقصان صوت شود بطوری که نتواند صدایش را صریح برساند بانظر حاکم تعیین میشود .
ماده ۱۸۱- جریمه جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با رعایت مصالحه معلوم گردد .

دیه سلس و ریزش ادرار

ماده ۱۸۲- جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر دیه معین دارد .



الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام و تا پایان هر روز دیه کامل دارد .
 ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا نیمی از هر روز دوثلث دیه دارد .
 ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها و تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد .
 تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعدا خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .
 ماده ۱۸۳ - هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب - لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده است جریمه آن با نظر حاکم تعیین میشود .
 ماده ۱۸۴ - جریمه اعمال ارتکابی زیر با نظر حاکم تعیین میشود .
 الف - باعث از بین رفتن انزال شود .
 ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد .
 ج - لذت مقاربت را از بین ببرد .
 ماده ۱۸۵ - جنایتی که باعث از بین رفتن اصل مقاربت بطور کامل شود دیه کامل دارد .

دیه جراحت سر و صورت

ماده ۱۸۶ - دیه جراحت سر و صورت به ترتیب زیر است .
 ۱ - حارصه = خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر
 ۲ - دامیه = خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر .
 ۳ - متلاحمه = جراحتی که مقدار زیادی از گوشت را فرا گیرد لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر .
 ۴ - سمحاق = جراحتی که تمام گوشت را فرا گرفته و به پوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر .
 ۵ - موضجه = جراحتی که تمام گوشت را فرا گرفته و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر .
 ۶ - هاشمه = عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحتی را تولید نکرده باشد ده شتر .
 ۷ - منقله = جراحتی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد یا زنده شتر .
 ۸ - مامومه = جراحتی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل دارد .



بخش اول

۹- دامغه = جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل جریمه‌ای که با نظر حاکم تعیین میشود بر او افزوده میگردد .

ماده ۱۸۷- هرگاه یکی از جراحتهای فوق در غیر سر و صورت واقع شود در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجید آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحتهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع میشود تعیین گردد .
و در صورتیکه آن عضو دارای دیه معین نباشد ارزش آن با نظر حاکم تعیین میشود .

دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود

ماده ۱۸۸- دیه جراحی که به درون انسان وارد میشود به ترتیب زیر است .
الف - جائغه (جراحی که با هر وسیله و از هر راه به درون بدن انسان برسد)
ثلث دیه کامل است .
ب- هرگاه وسیله‌ای از یک طرف بدن فرورفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد .

دیه جراحی که در اعضاء انسان فرو می‌رود

ماده ۱۸۹- هرگاه نیزه یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتیکه مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتیکه زن باشد ارزش آن با نظر حاکم تعیین میشود .

دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم میشود

ماده ۱۹۰- دیه ضربتی که در اثر آن رنگ متغیر و یا بدن متورم گردد به قرار زیر است .
الف - سیاه شدن صورت بدون جراحی و شکستگی شش دینار .
ب - سبز شدن صورت سه دینار .
ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم .
د - در سایر قسمتهای بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت سبز شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است .
تبصره - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی نیست میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی نیست بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زائل گردد .

ماده ۱۹۱- جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود ارزش آن با نظر حاکم معلوم



- میگردد و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود آرش آن بردیده که قبلا بیان شد افزوده میشود .
- ماده ۱۹۲- دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دولت دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است .
- ماده ۱۹۳- هرگاه مجنی علیه ولی نداشته باشد دادستان کل کشور به منزله ولی او است و موظف است حق او را بدون عفو استیفا نماید .
- ماده ۱۹۴- دیه سقط جنین به ترتیب زیر است .
- ۱- دیه نطفه که در رحم مستقر شده بیست دینار .
 - ۲- دیه علقه که خون بسته است چهل دینار .
 - ۳- دیه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دینار
 - ۴- دیه جنین در مرحله ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروئی شده است هشتاد دینار .
 - ۵- دیه جنین که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده و هنوز روح در آن پیدا نشده یکصد دینار .
- تبصره- در مراحل فوق هیچ فرقی بین دختر و پسر نمیباشد .
- ۶- دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل .
- ماده ۱۹۵- هرگاه در اثر کشتن مادر ، جنین سقط شود دیه جنین در هر مرحله ای که باشد بر دیه مادر افزوده میشود .
- ماده ۱۹۶- هرگاه زنی جنین خود را سقط کند دیه آن را در هر مرحله ای که باشد باید بپردازد و خود از آن دیه سهمی نمی برد .
- ماده ۱۹۷- هرگاه چند جنین در یک رحم باشند بعدد هریک از آنها دیه جداگانه خواهد بود .
- ماده ۱۹۸- دیه اعضاء جنین و جراحات آن به نسبت دیه همان جنین است .
- ماده ۱۹۹- دیه سقط جنین در موارد عمد و شبه عمد برعهده جانی است و در موارد خطا محض بر عاقله اوست خواه روح پیدا کرده باشد و خواه نکرده باشد .
- ماده ۲۰۰- سقط جنین قبل از پیدایش روح ، کفار ندارد و کفاره و همچنین دیه کامل او بعد از احراز حیات او خواهد بود .

دیه جنایتی که بر مرده واقع می شود

- ماده ۲۰۱- دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع میشود به ترتیب زیر است .
- الف- بریدن سر یکصد دینار .
- ب- بریدن هر دو دست یا هر دو پای یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضاء و



جوارح بهمین نسبت ملحوظ میگردد .

تبصره ۱- فرقی در حکم مزبور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست .
تبصره ۲- دیه مذکور در این ماده به عنوان میراث به ورثه نمی‌رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت میگردد و در راههای خیر صرف میشود .

دیه جنایت بر حیوان

ماده ۲۰۲- هرگاه کسی حیوان حلال گوشت دیگری را که گوشت آن معمولاً خوراکی است بدون اذن صاحب آن با ذبح شرعی بکشد باید تفاوت بین زنده و ذبح شده آن را بپردازد و گرنه باید قیمت روز اتلاف پرداخت شود .

تبصره ۱- اجزاء قابل استفاده مردار مانند پشم و مو و کرک متعلق به صاحب حیوان است و از قیمت آن کم میشود .

تبصره ۲- صاحب حیوان حق ندارد حیوان ذبح شده را برگرداند و حتما خواهان مثل یا قیمت آن شود .

تبصره ۳- هرگاه حیوان ذبح شده بطور کلی بی ارزش شود بمنزله آنست که مردار شده باشد .

ماده ۲۰۳- قطع یا شکستن اعضاء حیوان در صورتیکه زنده بماند موجب پرداخت تفاوت میان سالم و معیوب میباشد و در صورتیکه باعث تلف شدن او بشود موجب قیمت آن میگردد .

ماده ۲۰۴- هرگاه حیوان حرام گوشت که با ذبح شرعی استفاده از آن جائز است ، با ذبح شرعی از بین برود باید تفاوت قیمت پرداخت شود و اگر از راه غیر شرعی کشته گردد قیمت زنده آن پرداخت میشود و اجزاء قابل استفاده آن متعلق به صاحب حیوان است و از قیمت آن کم میشود .

ماده ۲۰۵- حیوان حلال گوشت که عادتاً گوشت آنها خورده نمیشود مانند اسب ، ذبح شرعی آنها بمنزله مردار نمودن آنها و موجب پرداخت تمام قیمت خواهد بود .

ماده ۲۰۶- اتلاف اشیائی که قابل تملک مسلمین نمیشود مانند خوک و شراب ضمان آور نیست .

دیه سگ ها

ماده ۲۰۷- دیه سگ به ترتیب زیر است .

۱- سگ شکاری چهل درهم خواه آموزش یافته باشد یا نباشد .

۲- سگ گله بیست درهم .



بجای

- ۳- سگ نگهبان منزل یا باغ بیست درهم .
 ۴- سگ مزرعه ، محصول یک هکتار غله مانند گندم .
 تبصره ۱- غیر از سگ های مذکور هیچ سگی ملک مسلمان نخواهد شد و اتلاف آن نیز ضمانی ندارد .
 تبصره ۲- آنچه بعنوان دیه برای از بین بردن سگ ها بیان شده است نباید از آنها تجاوز نمود و چیزی را بعنوان قیمت سگ دریافت کرد .
 ماده ۲۰۸- هرگاه سگی غصب شود و بدون اتلاف غاصب از بین برود غاصب ضامن قیمت آن خواهد بود نه دیه آن و هرگاه نقص یا عیبی بدون جنایت بر آن وارد شود غاصب عهده دار ارزش آن می باشد .
 ماده ۲۰۹- جنایت بر سگی که دیه دارد موجب ارزش میشود و به همان نسبت از دیه پرداخت میگردد .
 ماده ۲۱۰- در کلیه مواردیکه به موجب مقررات این قانون ارزش منظور نگردیده و یا تعیین خسارت بنظر قاضی واگذار شده است قاضی باید در نظر گرفتن دیه کاملانسان و نوع و کیفیت جنایت و میزان خسارت وارده مقدار دیه و خسارت را تعیین مینماید .
 ماده ۲۱۱- کلیه قوانینی که با این قانون مغایر باشند ، ملغی است .
 لایحه فوق مشتمل بر دویست و یازده ماده و بیست و هشت تبصره طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه بیست و چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و شصت و یک کمیسیون امور قضائی بتصویب رسیده است . ع

بایر سرور : گزیده

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۲۸ / ۹ / ۸۱